

ویرانه‌های زیبا

جس والتر

ترجمه فرناز کامیار



کتاب گزاف پناهی

فهرست

۱. هنرپیشه در حال مرگ ۱۱
۲. آخرین پیچینگ ۳۰
۳. چشم انداز رضایت بخش هتل! ۶۹
۴. لبخند بهشت ۱۰۶
۵. شرکت تولید فیلم مایکل دین ۱۲۳
۶. غار نگاره ها ۱۳۹
۷. خوردن گوشت انسان ۱۶۶
۸. گرند هتل ۱۷۷
۹. اتاق ۱۹۴
۱۰. تور انگلستان ۲۰۳
۱۱. دی ترواً ۲۳۱
۱۲. دهمین گذر! ۲۵۲
۱۳. دی فیلم می بیند ۲۶۵
۱۴. جادوگران پورتو ورگوگنا ۲۸۴
۱۵. فصل اول حذف شده از زندگی نامه مایکل دین ۳۱۱
۱۶. پس از سقوط ۳۳۱
۱۷. نبرد برای پورتو ورگوگنا ۳۵۲
۱۸. مرد پوشالی ۳۶۶
۱۹. مرثیه ای برای یک رویا ۳۹۳
۲۰. فروغ جاودان ۴۰۳
۲۱. ویرانه های زیبا ۴۲۰

۱. هنرپیشه در حال مرگ

آوریل ۱۹۶۴

ایتالیا، پورتو ورگوگنا^۱

قایق بعد از عبور از خلیج، با تکانی از کنار موج شکن صخره‌ای رد شد و به انتهای اسکله کوئید و هنرپیشه در حال مرگ از تنها راه مستقیمی که به روستا راه داشت، به آنجا رسید. زن لحظه‌ای کف قایق لرزان، مردد بود؛ دست باریک و بلندش را برای گرفتن نرده‌های ماهونی دراز کرد و با دست دیگر کلاه لبه‌پهنش را محکم روی سر نگاه داشت- ذرات نور شکسته در امواج لرزان، احاطه‌اش کرده بودند.

و بیست متر دورتر، پاسکواله تورسی^۲ آمدن زن را به روستا دید؛ صحنه‌ای که برایش مثل یک رؤیا بود یا شاید آن‌طور که بعدها فهمید، خلاف یک رؤیا- حقیقتی که پس از عمری خواب، ناگهان آشکار شده بود. پاسکواله ایستاد و دست از کار کشید؛ همان کاری که تقریباً سراسر بهار انجامش داده بود: ساختن یک ساحل پایین پانسیون خانوادگی که هیچ مهمانی نداشت. با سینه‌ای پهن قله‌سنگ‌هایی به اندازه گربه را در آب‌های سرد لیگورین^۳ جابه‌جا می‌کرد تا موج‌ها را از مسیر تل شنی کوچکی که ساخته بود، دور سازد. ساحل پاسکواله به اندازه دو قایق ماهیگیری پهن داشت و زیربنای این ساحل شنی، صخره‌ای کنگره‌ای شکل بود که در کل

1. Porto Vergogna

2. Pasquale Tursi

3. Ligurian Sea

روستا هموارترین بخش خط ساحلی محسوب می‌شد. درباره اسم پورتو ورگوگنا^۱، شایعه‌ای طعنه‌آمیز و البته امیدوارکننده پخش بود که «پورتو» را «شهر» می‌دانست، هرچند در واقعیت تنها قایق‌هایی که مرتباً به آنجا در رفت‌وآمد بودند، به همان تعداد اندک ماهیگیران روستایی تعلق داشتند که ساردین و ماهی کوی^۲ صید می‌کردند و بخش دوم اسم «ورگوگنا» را به معنای «شرم و حیا»، که از شکل‌گیری روستا در قرن هفدهم به جا مانده بود؛ مکانی برای دریانوردان و ماهیگیرانی که به دنبال زنانی با اخلاقی ویژه و بساز در امور اقتصادی بودند (شهر شرم).

روزی که پاسکواله برای نخستین بار آمریکایی زیبا را دید، بازم با سینه‌ای گشاده غرقِ رؤیاها بود. در خیالاتش پورتو ورگوگنای کوچک و زشت را شهر تفریحی روبه‌رشدی می‌دید و خودش را تاجری باتجربه در دهه ۱۹۶۰-مردی با توانایی‌های نامحدود در ظهور مدرنیته باشکوه. همه‌جا نشانه‌های پیشرفت^۳ به چشم می‌خورد. پس چرا این روستا باید از جریان ثروت و دانشی که در حال دگرگون کردن ایتالیا بود، محروم می‌ماند؟ پاسکواله که بعد از چهار سال زندگی در فلورانس پرهیا، به تازگی به خانه، به روستای عقب‌مانده دوران جوانی‌اش، برگشته بود، تصور می‌کرد خبرهای مهمی از دنیای خارج آورده است؛ خبرهای چشمگیری از عصر ماشین‌های درخشان، تلویزیون‌ها و تلفن‌ها، مارتینی دویل و زنانی که شلوارهای تنگ بلند می‌پوشیدند؛ از دنیایی که قبلاً انگار تنها در سینما وجود داشت.

پورتو ورگوگنا مجموعه‌ای فشرده از ده‌دوازده خانه قدیمی بود که با دوغاب آهکی

۱. به تلفظ انگلیسی نوشته شده است.

2. Anchovy

۲. به فیلم بوم نیز اشاره می‌کند؛ کمدی درامی از کارگردان ایتالیایی ویتوریا دی‌سیکا که از پیشگامان نورنالیسم سینمای ایتالیاست که در فیلم، مردی چشمش را می‌فروشد تا بدهی‌هایش را بپردازد و همسرش را خوشحال کند. (همه پانوشنها به قلم مترجم است).

سفید شده بودند؛ یک کلیسای کوچک متروکه داشت و تنها جاذبه بازرگانی شهر، هتل و کافه کوچکی بود که به خانواده پاسکواله تعلق داشت و همه اینها مثل گله‌ای از بزها که به صورت خطی در پرتگاه‌های پرشیب خوابیده باشند، به هم چسبیده بودند. پشت روستا صخره‌هایی به بلندای صد و هشتاد متر، دیواره کوه‌های سیاه و شیارداری را شکل می‌دادند و پایین روستا، دریا در خلیجی صخره‌ای که اندکی خمیدگی داشت، آرمیده بود-محل ورود و خروج روزانه ماهیگیران. با وجود صخره‌هایی که از پشت و دریایی که از پیش، روستا را از دنیای بیرون مجزا کرده بودند، رفتن به روستا با گاری یا ماشین ممکن نبود؛ چند کوره‌راه باریک بین خانه‌ها، جاده‌های خشتی باریک‌تر از پیاده‌روها، کوچه‌های فرورفته و راه‌پله‌های بالاآمده تنگ، به حدی که تنها یک نفر را به میدان سن‌پیترو^۱، تنها میدان شهر می‌رساندند، راهها و مسیرهای این روستا را شکل می‌دادند؛ از هر جایی در روستا که داستان را دراز می‌کردید، می‌توانستید دیوارهای آن‌سوی خود را لمس کنید.

با این توصیف، پورتو ورگوگنای دورافتاده، خیلی با شهرهای صخره‌ای بسیار زیبای سینکوتره^۲ در شمال فرق نداشت، فقط کوچک‌تر و خیلی دورافتاده بود و تا آن حد خوش‌منظره نبود و واقعیت این بود که هتل‌داران و صاحبان رستوران‌های شمال، اسم محبوبشان را برای روستای کوچک فشرده در خط عمودی صخره انتخاب کرده بودند: «درز زن هرزه!» اما با وجود نگاه‌های تحقیرآمیز سایر روستاییان، هنوز پاسکواله مانند پدرش باور داشت که روزی پورتو ورگوگنا مثل سایر بخش‌های لوانته^۳، خط ساحلی جنوب جنوا^۴ که سینکوتره را در خود داشت یا حتی شهرهای

1. San Pietro

۲. Cinque Terre؛ چینکوتره یا سینک تر، پنج خشکی، مجموعه پنج شهرک یا روستا در لیگوریای ایتالیا.

3. Levante

4. Genoa